

درس خارج اصول استاد مهدی گنجی

۹۷/۰۱/۱۹

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر و نهج البلاغه

رجال

دروس به زبان عربی

مباحث مستحدثه حکومتی

سرفصل های 1401 - 1400

پرونده علمی

فهرست مسائل

موضوع درس اساتید

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کرمان

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزار پخش زنده-رایانه

نرم افزار پخش زنده-اندروید

سایت های مرتبط

کتابخانه مدرسه فقهات

ویکی فقه

ویکی پرسش

محتویات

۱ استعمال لفظ در لفظ

۱.۱ عدم امکان احضار معنا بودن مواردی که محمول شامل موضوع

نیست

۱.۱.۱ عدم صحت استشهاد برای عدم شمول محمول موضوعش

۱.۲ عدم امکان احضار معنا در استعمال لفظ و اراده مثل

۱.۲.۱ عدم فرق بین مثل و صنف در عدم امکان احضار

۱.۳ عدم صحت بحث استعمال مجازی بر مبنای استاد

۱.۳.۱ صحت بحث استعمال مجازی بر مبنای مرحوم اخوند

۱.۳.۱.۱ عدم صحت استشهاد استعمال مجازی و عدم شرطیت

استعمال مجازی به اذن واضع

۱.۴ اثره بحث اطلاق لفظ در لفظ

موضوع: استعمال لفظ و اراده نوع و صنف و مثل ان / استعمال لفظ در لفظ

/مقدمات علم اصول

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسه گذشته بحث از این مطلب شد که استعمال لفظ و اراده نوع و صنف ان از چه بابی است؟ در این بحث سه نظریه وجود دارد. ۱- نظریه مرحوم اخوند و استاد: امکان استعمال و احضار معنا. ۲- نظریه مرحوم اصفهانی: فقط از باب استعمال است است. ۳- نظریه مرحوم خویی و آغا

ضیاء: فقط از باب احضار معنا است. در این جلسه به نکته ای از کلام مرحوم اخوند اشاره میشود و وارد بحث دیگری از مقدمات علم اصول میشویم.

۱. استعمال لفظ در لفظ

۱.۱. عدم امکان احضار معنا بودن مواردی که محمول شامل موضوع نیست

بحث در تنمهی کلام مرحوم اخوند بود ایشان بعد از اینکه فرمود در نوع و صنف امکان استعمال و احضار معنا باهم وجود دارد، متعارف این است که از قبیل استعمال است و شان لفظ این است که استعمال شود و احضار عرفیت ندارد. بعد یک شاهدی بر استعمال بودن آورد و آن این است که در بعضی از اطلاعات لفظ و اراده نوع و صنف احضار امکان ندارد مثلاً گفته میشود «ضرب فعل ماضی است» اگر از قبیل احضار باشد معنایش این است که لفظ ضرب احضار لفظ باشد بما هو فرد لنوعه در حالی که غلط است چون ضرب در اینجا مبتدا واقع شده است و فرد نوع ضرب که نمیتواند مبتدا واقع شود محمد بن مصنف در اینجا تعلیقه زده است و فرموده است که در مثال «ضرب لفظ است» احضار معنا اشکالی ندارد ولی در مثال مبحوث نمیتواند احضار معنا شود پس در مواردی که محمول شامل موضوع نمیشود استعمال لفظ در نوع قطعاً استعمال است و احضار معنا امکان ندارد

۱.۱.۱. عدم صحت استشهاد برای عدم شمول محمول موضوعش

به نظر ما این استشهاد درست نیست وقتی گفته میشود «ضرب فعل ماضی است» شامل خود این ضرب که فرد برای نوع است میشود اینکه مرحوم اخوند گفته این مثال شامل خود ضرب نمیشود و ضرب مبتدا قرار نمیگیرد یک مغالطه است وقتی ضرب مبتدا واقع نمیشود که معنای حدثی داشته باشد اما اگر ضرب باشد و معنای حدثی نداشته باشد مبتدا قرار میگیرد و در اینجا معنای حدثی ندارد. مثلاً کسی میگوید یک مثالی برای فعل ماضی بیاور بعد گفته میشود ضرب فعل ماضی است در اینجا این مثال درست است و شامل خود ضرب که فرد برای نوع است میشود و غلط هم نیست.

۱.۲. عدم امکان احضار معنا در استعمال لفظ و اراده مثل

مرحوم اخوند در ادامه فرموده است که در اطلاق لفظ و اراده مثل آن احضار معنا ندارد چون مثل مغایر مثل دیگر است و احضار آن معنا ندارد بر خلاف نوع و صنف که احضار معنا داشت ولی متعارف نیست

۱.۲.۱ عدم فرق بین مثل و صنف در عدم امکان احضار

به نظر ما فرقی بین مثل و صنف نیست بلکه در نوع قبول داریم که احضار معنا دارد ولی در صنف نیز که خصوصیت دارد مانند مثل است و یک صنف با صنف دیگر مغایرت وجود دارد و در صنف ها فردی با فردی دیگرش مغایرت دارد. چطور شما بین صنف و مثل فرق میگذاری؟

نظر استاد در دوره سابق

در اطلاق لفظ و اراده شخص، فقط احضار است در اطلاق لفظ و اراده نوع، هم از باب استعمال است و هم از باب ایجاد میتواند باشد در اطلاق لفظ و اراده صنف و مثل فقط استعمال ممکن است.

نظر استاد در دوره لاحق

ولی چیزی که از قدیم الایام در ذهن ما است که ارتکاز ما این است که وقتی اطلاق بشود لفظ در لفظ، از باب بودن بعید است و استعمال در لفظ و معنا است این استبعاد باعث شد که فکر بشود و به این نظر برسیم که فرمایش مرحوم خویی درست است و همیشه از باب احضار است و استعمال خلاف ارتکاز است. در شخص گفته میشود یک مثال برای فعل ماضی بیاور و گفته میشود که ضرب فعل ماضی است که در اینجا همه قبول دارند از باب احضار است. در نوع گفته میشود که ضرب در هر کجا که هست فعل ماضی است با ضرب همان ضرب را ایجاد میکنیم و احساس ما احضار و ایجاد خود ضرب در ذهن مخاطب است و با گفتن ضرب همان ضرب را خلق کردیم. و شان تکلم من خلق لفظ است. یا در صنف گفته میشود که زید بعد از ضرب زید فاعل است در اینجا نیز خلق و ایجاد است و خصوصیتی که آورده میشود تضییق حالت زید است و قید استعمال در معنا شده است ولی خود زید شانش ایجاد است و هکذا در اطلاق لفظ و اراده مثل.

۱.۳ عدم صحت بحث استعمال مجازی بر مبنای استاد

با این بیان یک مشکلی دیگر حل شد و آن عبارت است از اینکه قبلاً گفته شد که در باب مجاز ادعای وقایه الاذهان درست است و اطلاق لفظ در لفظ نقض بر ما نیست چون از باب استعمال نیست تا از ما سوال کنید از باب حقیقت است یا مجاز؟ بعد گفته شود شود که اگر از قبیل مجاز است استعمال لفظ در معنای غیر موضوع له است.

۱.۳.۱ صحت بحث استعمال مجازی بر مبنای مرحوم اخوند

مرحوم اخوند میفرماید از باب استعمال است و نیازی به علایق یاد شده نیست تا اشکال شود در اینجا علاقه ای وجود ندارد پس چگونه استعمال مجازی نیست؟

۱.۳.۱.۱ عدم صحت استشهاد استعمال مجازی و عدم شرطیت استعمال مجازی به اذن واضع

ما میگوییم استشهاد مرحوم اخوند در بحث مجاز به اطلاق لفظ در لفظ درست نیست چون مبنا درست نیست و اصلا استعمالی نیست علاوه بر این اگر قبول شود که اطلاق لفظ در لفظ از قبیل استعمال باشد باز هم استشهاد مرحوم اخوند درست نیست زیرا ممکن است قائلین به شرطیت اذن واضع در مجاز جواب بدهند به اینکه در این استشهاد استعمال در غیر موضوع له است و علاقات نیز موجود است و ان مناسبت در اتحاد است.

ان قلت: شما ادعا دارید به اینکه باید بین معنای غیر موضوع له و لفظ مناسبت باشد نه اینکه بین لفظ و نوع و صنف و غیره ان لفظ؟
قلت: اینکه ما گفته ایم مناسبت با معانی از جهت غالبی است که الفاظ معنا دارند و غالب استعمالات مجازی استعمال در معنا است ولی این مطلب خصوصیتی ندارد.

۱.۴ ثمره بحث اطلاق لفظ در لفظ

بعضی برای این لفظ ثمراتی نقل کرده اند که بهترین ان همان بحث استعمال لفظ در اکثر از معنا است که بیشتر علما به استحاله ان معتقدند و در بحث عبادات مانند نماز گفته اند که در حال خواندن نماز معانی را انشاء و حضور قلب داشته باشیم و از طرفی گفته اند در قرائت نماز باید به قصد قرئانیت باشد و معنای ان این است که لفظ در لفظ استعمال شده باشد ادامه بحث در جلسه آینده



